



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

**Journal of Applied Sociology**

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 33, Issue 4, No. 88, Winter 2023, pp. 29-48

Received: 07.12.2021 Accepted: 26.04.2022

**Research Paper**

## **Phenomenological Exploration of Teachers' Basic Competencies for Realization of Social and Political Educations**

**Fatemesadat Mosavi Nodoushan**

Ph.D. Student of Curriculum Planning, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran  
sabamosavi@gmail.com

**Mohammadreza Nili\*** 

Associate Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran  
m.nili.a@edu.ui.ac.ir

**Mohammadreza Neyestani**

Assistant Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran  
m.neyestani@gmail.com

### **Introduction**

One of the most important human issues in all historical periods has been the issue of educating the young generation to enter the society and socialize them. Human is a multidimensional being and all aspects of his existence need to be trained. Therefore, education is one of the essential needs of humans to be on the right path of life. It can provide opportunities for all-round growth. Achieving the goal followed by human creation is possible only in the light of education. For this purpose, God Almighty endowed human with the power of intellect and the tools of knowledge and inspired the prophets with clear reasons and firm rules and laws. He entrusted them with the mission of educating man. In the document of Fundamental Transformation of Education, which is a roadmap for transformation of education for Iran to realize its vision in 1404, and based on the teachings of the Qur'an, upstream documents, such as the 20-Year Vision Document and the comprehensive scientific map of the country, have been prepared and education has been studied as theoretical and practical foundations. One of the six areas of interest in the document related to the country's education system is the social and political fields. Since one of the duties of any educational system is to educate an ideal and desirable citizen, who can pave the way for the development and progress of the society with responsibility and commitment to the political and social norms and values of his community, teachers can

undoubtedly pave the way for providing their students' political and social orientations with their morals, opinions, and political and social behaviors in the schools and classes due to being able to directly communicate with their students, while having greater knowledge and insight. During education, the role of a teacher is much more prominent than any other elements of the educational system because students often work in the school under his/her supervision. He/she transmits not only his/her knowledge and information, but also all his/her attributes, temperaments, moral characteristics, and outward behaviors to the students. However, he/she must have the basic competencies to be able to fulfill his/her mission well and provide education in a style accepted by the education system of the Islamic Republic of Iran. Therefore, it is necessary to identify the competencies expected from the teachers in the fields of social and political educations. Accordingly, the present study mainly tried to answer the question of what basic competencies teachers should have to be able to provide the ground for realization of social and political educations.

### **Materials and Methods**

The purpose of this study was to identify teachers' basic competencies for realization of social and political educations in the Transformation Document. This study was a qualitative research with a phenomenological method. The participants were the teachers of the teacher-training centers and the

\* Corresponding author

Mosavinodushan, F., Nili Ahmadabadi, M. R., and Neyestani, M. (2023). Phenomenological exploration of teachers' basic competencies for realization of social and political educations. *Journal of Applied Sociology*, 33(4), 29-48.



faculty members of the Department of Social, Political, and Educational Sciences of Isfahan and Yazd universities. The snowball purposive sampling method was applied to include 30 people in the study through semi-structured interviews until data saturation was achieved. The validity of the codings was confirmed by the method of member and peer reviews.

#### **Discussion of Results and Conclusion**

The findings showed that the basic competencies required for the teachers in the fields of social and political educations included social and political knowledge (social and political

literacies), social and political insights (values and individual tendencies, values and collective tendencies, and national and transnational values), and social and political behaviors (individual, collective, and political attributes). Based on the research results, it is recommended that these competencies be used as a practical guide for designing teacher-training and in-service training programs for teachers to provide a platform for spreading Islamic patterns of thought and action based on the Teachers' Transformation Document.

**Keyword:** Basic Competency, Social Education, Political Education, Teacher, Fundamental Reform Document



مقاله پژوهشی

## کاوش پدیدارشناختی بر شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

فاطمه سادات موسوی ندوشن، دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران

sabamosavi@ymail.com

محمدرضا نیلی<sup>ID\*</sup>، دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

m.nili.a@edu.ui.ac.ir

محمدرضا نیستانی، استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

m.neyestani@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی در سند تحول بود. این پژوهش از نوع کیفی بوده و روش استفاده‌شده، پدیدارشناختی است. مشارکت‌کنندگان پژوهش را مدرسان مراکز تربیت‌معلم، اعضای هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، علوم سیاسی و علوم تربیتی دانشگاه‌های اصفهان و یزد تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند از نوع گلوله‌برفی است. به گونه‌ای که ۳۰ نفر تا رسیدن به اشباع داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در پژوهش شرکت داده شدند. اعتبارپذیری کدگذاری‌های انجام‌شده از روش بازبینی اعضا و بررسی همکار صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد شایستگی‌های پایه آموزگاران در تربیت اجتماعی و سیاسی شامل دانش اجتماعی و سیاسی (سواد اجتماعی و سواد سیاسی)، بینش اجتماعی و سیاسی (ارزش‌ها و تمایل‌های فردی، ارزش‌ها و تمایل‌های جمعی، ارزش‌های وطنی و فراوطنی) و رفتار اجتماعی و سیاسی (عاملیت فردی، عاملیت جمعی و عاملیت سیاسی) است. براساس نتایج پژوهش توصیه می‌شود، این شایستگی‌ها به‌مثابه راهنمای عمل برای طراحی و برنامه‌ریزی برنامه‌های تربیت‌معلم و آموزش‌های ضمن خدمت آموزگاران استفاده تا بستر اندیشه و عمل براساس سند تحول درمیان آموزگاران فراهم شود. **واژه‌های کلیدی:** شایستگی پایه، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، آموزگاران، سند تحول بنیادین.

\* نویسنده مسؤول

موسوی ندوشن، ف؛ نیلی احمدآبادی، م.ر. و نیستانی، م.ر. (۱۴۰۱). «کاوش پدیدارشناختی بر شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴(۴)، ۲۹-۴۸.



## مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مسائل بشر در تمامی دوره‌های تاریخی مقوله تربیت و پرورش نسل جوان برای ورود به اجتماع و جامعه‌پذیری آنان بوده است؛ زیرا بشر برای دوام و بقای نسل از کنترل و کارگردانی محیط خویش به‌مدد نیروی اندیشه‌اش ناگزیر بوده است و آنچه را در این رهگذر تجربه کرده باید به نسل جوان منتقل کند و به همین دلیل می‌توان گفت، در کهن‌ترین دوران‌های تاریخی تربیت از بارزترین دل‌مشغولی‌های جوامع بوده است (فتحی، ۱۳۹۸: ۱۳). از تربیت تعریف‌های زیادی ارائه شده است. شریعتمداری (۱۳۹۹) تربیت را مجموعه تدابیر و روش‌هایی می‌داند که برای به فعلیت درآوردن استعدادها در ابعاد گوناگون انسان به کار گرفته می‌شود. از نظر افلاطون هدف عمده تربیت، کشف استعدادها و برجسته و آماده کردن افراد برای زمامداری در جامعه آرمانی، یعنی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و حکمت است (کاردان، ۱۳۹۲). طبق تعریفی که از تربیت در فلسفه تربیت در ایران (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) بیان شده است، تربیت عبارت است از: فرایندی تعاملی که زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به‌صورت یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی و برای هدایت دانش‌آموزان در مسیر آماده‌شدن برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آدمی است (مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰). انسان موجودی چندبُعدی و تمامی ابعاد وجودی او نیازمند تربیت است. از این رو، تربیت یکی از نیازهای ضروری انسان برای قرارگرفتن در مسیر صحیح زندگی و فراهم کردن فرصت رشد همه جانبه است. تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تربیت میسر است. به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرده است و پیامبرانی را با دلیل روشن و احکام و قوانین محکم برانگیخت و رسالت تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد (طهماسب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۲).

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که نقشه راهی

برای تحول آموزش و پرورش به‌منظور تحقق چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است و با اتکا به آموزه‌های قرآن، اسناد بالادستی از جمله: سند چشم‌انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور تنظیم شده، ساحت‌های تعلیم و تربیت به‌عنوان مبانی نظری و عملی بررسی شده است. یکی از ساحت‌های شش‌گانه درخور توجه سند در نظام تعلیم و تربیت کشور، ساحت اجتماعی و سیاسی است. براساس این سند، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را قادر می‌کند تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی شامل این موارد است: ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ۳۰۳-۳۰۲). تعلیم و تربیت رسمی و به‌ویژه دوره ابتدایی محمل مناسبی برای تربیت مدنی و سیاسی به‌شمار می‌رود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که همواره از مدرسه‌ها و برنامه‌های درسی برای ترویج ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی استفاده شده است. امروزه صاحب‌نظران ضرورت و نقش دوره آموزش و پرورش ابتدایی را فقط در توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌های شناختی به‌طور عام و آموزش و آماده‌کردن کودکان برای ورود به مدارج تحصیلی بالاتر خلاصه نمی‌کنند، بلکه آن را به‌طور خاص، عامل و اساس هرگونه تحول آغازین در عرصه رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌دانند. از آموزش و پرورش دوره ابتدایی انتظار می‌رود، نقش‌هایی از جمله: تحکیم وحدت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی با ترویج سنت‌ها و رسوم اجتماعی معمول، ایدئولوژی‌ها و زبان‌ها و همچنین بهبود وضعیت توزیع درآمد را ایفا کند. مهم‌ترین جوانب شخصیت سیاسی در سال‌های اولیه آموزشی به دست می‌آید و آنچه دانش‌آموز در سال‌های تحصیل خویش می‌آموزد، سالیان سال با او باقی می‌ماند و رفتار سیاسی بعدی او را شکل می‌دهد

سیاسی رهبر انقلاب فرمودند: «بچه‌های ما در هر زمان موافق، آن زمان، باید تربیت کنید و در روایات هم هست که بچه‌ها تا را تربیت کنید. به غیر آن طوری که خودتان هستید. برای زمان آتیه. برای اینکه اینها در زمان آتیه باید دست به کار مملکت و کشور بشوند. شما بچه‌ها را از سیاست ... دور نگه ندارید. دور نگه داشتن بچه‌ها از سیاست، آن فرمی می‌شود که وقتی وارد اجتماع شدند، مثل یک آدم کوری وارد اجتماع بشوند ... آنها را وارد کنید در مسائل روز. آنها مطلع باشند از مسائل روز اگر نوآموزان دبستانی تربیت سیاسی نشوند، هیچ تضمینی برای بقا و پایداری جامعه اسلامی نیست؛ چراکه سیاست‌ها و حیل‌های استعمارگران و سلطه‌طلبان بر همه‌جا چنگ‌انداخته و یکی از اهداف آنان بی‌اعتناکردن کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل جامعه است» (موسوی‌خمینی، ۱۳۹۹).

یکی از عناصر بی‌بدیل در دستیابی متربیبان به حیات طیبه، اجرایی شدن سند تحول و تحقق اهداف سند و زمینه‌سازی تربیت اجتماعی و سیاسی آموزگار است. در بخش بیانیه ارزش‌ها در سند تحول، به نقش معلم (مربی) به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و نیز مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی اشاره شده است. رسالت معلم، آفرینش است. معلم کارش برنهادن انسان کامل و پرورش شکوه و عظمت نیروهای بالقوه آدمی است. معلم از میان تمام افراد بشر، برگزیده شده است تا در آفرینش و شکفتن خویش و دیگران دست برد و انسانی شایسته مقام انسانی به وجود آورد (نیستانی، ۱۳۹۱: ۹۳).

در سند تحول به‌طور مکرر، به‌ضرورت کسب و برخورداری از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مورد انتظار از معلمان توجه و همچنین به‌ضرورت سنجش و ارزشیابی و بهبود مستمر این شایستگی‌ها توجه شده است. شایستگی به‌معنای مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی است که آموزگار باید برای عملکرد موفق در حرفه خویش و دستیابی به انتظارهای مدنظر از آنها بهره‌مند شود (Chiang & Trezise, 2021).

(رضوی و همکاران، ۱۳۸۹). اغلب نویسندگان و صاحب‌نظران بر این باورند که مقطع ابتدایی بهترین دوره تربیت سیاسی است؛ زیرا در این دوره سعی می‌شود تا کودکان متابعت از اقتدار و مقررات اجتماعی و حکومتی را بیاموزند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که شکل‌پذیری هنجارها و ارزش‌های سیاسی در دوره ابتدایی جدی‌تر است (مرزوقی، ۱۳۸۴). توجه به تعلیم و تربیت سیاسی در برنامه‌های درسی آموزش و پرورش و نظام تربیتی کشور علاوه بر معماری آینده کشور از سوی متربیبان، بهترین فرصت تربیت اجتماعی و سیاسی نسل آینده به‌عنوان شهروندان فعال، کنشگر، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جوست (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰). تربیت سیاسی ابزار مناسبی برای ایجاد زندگی سیاسی-آرمانی است. ارتباط قدرت، ایدئولوژی و هویت به هسته اصلی بررسی در گفتمان سیاسی تبدیل می‌شود (Gbadegegin & Onanuga, 2019).

تربیت اجتماعی و سیاسی مستلزم فراهم‌آوردن اطلاعاتی درباره ساختار حکومت، روابط حکومت و مردم و سازوکارهای توزیع قدرت است. مواردی چون عضویت و مشارکت در نهادها و گروه‌های مختلف اجتماعی، مشارکت‌های اجتماعی در حوزه مسئولیت شهروندی، انفعال‌داشتن یا نداشتن سیاسی و مشارکت برای حل مسائل سیاسی کشور در حوزه رفتارهای سیاسی قرار می‌گیرند (سلطانی و معین‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۱)؛ بنابراین لازم است اطلاعات و دانش‌هایی در زمینه موارد زیر در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد: ساختار حکومت، چارچوب قانون اساسی، مفاهیم مربوط به شهروندی و معانی آنها، قوای سه‌گانه و کارکردهای آن، روابط دولت و اقتصاد، دولت و خدمات اجتماعی شامل رفاه عمومی، ضرورت و کارکرد احزاب سیاسی، سازمان‌های بین‌المللی و نظایر آنها (صفایی‌مقدم و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳)؛ اما انتقال دانش کفایت نمی‌کند. برای تدبیر در اطلاعات دریافتی، دانش‌آموز باید اندیشه‌ورزی کند و نقاد باشد. پس آموزگار باید زمینه شکوفایی قابلیت ذهنی مذکور را فراهم آورد که بخش مهمی از جنبه شناخت تربیتی به‌طور کلی و تربیت اجتماعی و سیاسی به‌طور خاص است. درباره ضرورت تربیت

### مبانی نظری

سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، مهم‌ترین سند بالادستی در آموزش و پرورش است که در مهرماه ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تدوین و تصویب رسید. در سند تحول از ابعاد مختلف وجودی متریبان با عنوان «ساحت‌های تربیت» یاد می‌شود که شامل شش ساحت تربیت دینی و اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت زیستی و بدنی، تربیت هنری و زیباشناختی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و تربیت علمی و فناوری است که تعلیم و تربیت دانش‌آموزان براساس آنها صورت خواهد گرفت. به بیان دیگر، رسالت آموزش و پرورش و تربیت دانش‌آموزان براساس سند تحول بنیادین، در ساحت‌های شش‌گانه است تا در نهایت، افرادی در طراز نظام جمهوری اسلامی بار آیند. ملکی (۱۳۹۱) با اشاره به وحدت جان بشر اظهار می‌دارد که وجود آدمی یک کل یکپارچه است و اجزا و عناصر آن در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند. این وحدت به دلیل آن است که خالق آدمی، قدرت واحدی است که تصور تفکیک و تجزیه نیز درباره آن نمی‌توان داشت؛ بنابراین خلقت انسان یک کل واحد است و رشد او نیز باید به‌عنوان یک کل واحد در نظر گرفته شود و توجه به این وحدت در درک مفهوم تربیت ضرورت دارد که با توجه به ساحت‌های مختلف انسان محقق می‌شود.

در سند تحول بنیادین شایستگی این‌چنین تعریف شده است: شایستگی‌ها مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت است (مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ۱۳۸) که در قالب شایستگی‌های پایه برای تقویت هویت مشترک (اعتقادی، اخلاقی، دانش پایه و ...) و شایستگی‌های ویژه برای هویت حرفه‌ای مریبان (مشمول بر اخلاق و تعهد حرفه‌ای، دانش تخصصی، دانش تربیتی و مهارت‌های تربیتی) تعریف شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ۳۸۶). در غالب پژوهش‌ها،

دانش‌آموزان، معلمان برای تربیت اجتماعی و سیاسی باید شایستگی‌هایی را در خود پرورش دهند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، شایستگی اجتماعی و سیاسی معلمان منجر به روابط حمایتی معلم و دانش‌آموز، مدیریت مؤثر کلاس درس و اجرای مطلوب برنامه درسی اجتماعی و سیاسی می‌شود (Jennings & Greenberg, 2009).

از آنجا که یکی از وظایف هر نظام آموزشی تربیت شهروند ایده‌آل و مطلوب است که بتواند با مسئولیت‌پذیری و تعهد در برابر هنجارهای سیاسی و اجتماعی و ارزش‌های جامعه خویش، زمینه‌ساز توسعه و ترقی جامعه شود، بدون تردید، آموزگاران به علت ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان و همچنین به دلیل آگاهی و بینش بیشتر، می‌توانند با اخلاق، نظر و رفتار سیاسی و اجتماعی خود در مدرسه و کلاس زمینه‌ساز جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان شوند. در جریان تعلیم و تربیت، نقش معلم در مقایسه با سایر عناصر نظام آموزشی بسیار پررنگ‌تر است؛ زیرا دانش‌آموزان در بیشتر اوقات، در مدرسه زیر نظر معلم فعالیت می‌کنند. معلم تنها دانش و آگاهی‌های خود را به دانش‌آموزان انتقال نمی‌دهد، تمام صفات، خلقیات، ویژگی‌های اخلاقی و رفتار ظاهری خود را نیز به شاگردان منتقل می‌کند. با وجود این، آموزگار باید شایستگی‌های پایه‌ای را داشته باشد تا بتواند رسالت خویش را به‌نحو احسن انجام دهد و بتواند آموزش و پرورش طراز جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند؛ بنابراین لازم است شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی شناسایی تا زمینه تحقق هدف‌های این ساحت در وجود دانش‌آموزان مهیا شود. نقش شایستگی‌های پایه آموزگاران در تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی در پیشینه پژوهش مغفول واقع شده است؛ بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اصلی است که آموزگاران باید واجد چه شایستگی‌های پایه‌ای باشند تا بتوانند زمینه تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی سند تحول را در وجود دانش‌آموزان فراهم کنند.

مهمی دارد (مرزوقی، ۱۳۸۴). هرچه تربیت سیاسی در جامعه‌ای با کیفیت بهتری انجام گیرد، حوزه‌های عمومی توسعه بیشتری می‌یابند و جامعه به یاری شهروندان فعال و تربیت‌یافته خود، توفیق بیشتری در استقرار نظام دموکراتیک خواهد یافت و با کم‌شدن تربیت سیاسی، شهروند فعال و آگاه به حقوق و مسئولیت‌ها تحقق نمی‌یابد و بدون چنین شهروندی هم نمی‌توان از مردم‌سالاری و استمرار آن و انسجام اجتماعی سخن گفت (شاه‌علی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۰). اموری همچون: تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد یک همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی موجود و تربیت شهروندی از جمله اهدافی است که برای تربیت سیاسی می‌توان ذکر کرد (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۷۹). مشارکت سیاسی حاکی از چگونگی بهره‌برداری شهروندان با نگرش‌های مشارکتی مختلف از فرصت‌هایی است که نظام سیاسی و نهادهای اجتماعی در اختیار آنها قرار می‌دهند. شهروندانی که اطلاعات خوبی دارند (آگاهی سیاسی، احساس اثربخشی، تعهد مدنی) برای مشارکت در امور سیاسی مستعدترند (صالح‌آبادی، ۱۳۹۹، ۶۹).

در نظریه مردم‌سالاری دینی، هدف تربیت به‌ویژه در بُعد اجتماعی و سیاسی آن، تربیت افرادی مؤمن، آگاه، متعهد به دانش‌های سیاسی اسلام با احساس مسئولیت و مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی برای دستیابی به رشد الهی و تقویت کارکردهای مطلوب هدایتی حکومت الهی است. حاصل چنین تربیتی، افرادی خواهند بود که با آگاهی و شناخت مطلوب از حکومت و جامعه مدنی، گرایش و رفتارهای متناسب با آن را بروز خواهند داد. این افراد توانایی ارزیابی و نقد موجود سیاسی را براساس دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های مطلوب خواهند داشت و با هوشیاری، احساس مسئولیت و ارزیابی مداوم از اقتدارطلبی‌های ناموجه و یا انحراف‌های احتمالی حکومت از آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی جلوگیری می‌کنند (مرزوقی، ۱۳۸۴). تعلیم و تربیت با ایجاد و توسعه مهارت‌های مربوط به بُعد سیاسی، نقش بسزایی در افزایش یا کاهش مشارکت

شایستگی را به‌مثابه ترکیبی از دانش عملی و نظری، مهارت‌های شناختی، رفتار و ارزش‌های به‌کارگرفته‌شده برای بهبود عملکرد قلمداد می‌کنند (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

تربیت اجتماعی، یکی از ارکان و ابعاد اساسی تربیت را تشکیل می‌دهد. این بُعد از تربیت به‌لحاظ گستردگی، پیچیدگی و جامع بودن پوشش‌دهنده تمام نهادهای اجتماعی تربیتی مشرف بر امر تعلیم و تربیت افراد است که از سویی، رشد شخصیت فردی را به‌همراه دارد و از سویی، میراث فرهنگی را به نسل آینده منتقل می‌کند. به همین دلیل است که اجتماعی کردن افراد جامعه، رسالت مهم برنامه‌ریزان و مربیان به شمار می‌رود. ازدیدگاه کلان نیز پرورش اجتماعی با توسعه ملی، ارتباط مسلم ضروری و انکارناپذیر دارد و ظهور رشد و توسعه در یک جامعه به پرورش اجتماعی در یک سطح مناسب ملی بستگی دارد (ملکی، ۱۳۹۳). با تربیت اجتماعی زمینه‌سازی برای شناخت جامعه، قوانین، هنجارها و ارزش‌های مربوط به آن، روش‌های مناسب دسترسی به این ارزش‌ها و شیوه‌های درونی کردن آنها و درانتها، رسیدن به کمال مطلوب فراهم می‌شود که هدف نهایی تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۶).

امروزه تداوم حیات و پیشرفت جوامع درگرو وجود شهروندانی فعال، مسئولیت‌پذیر، باسواد و آگاه به وضع سیاسی و اجتماعی است. با آگاه‌شدن افراد به حقوق خویش، حقوق دیگران، مسئولیت خود درقبال جامعه و بالعکس، نظم اجتماعی روند روبه‌رشدی به‌خود می‌گیرد و جامعه به جامعه‌ای پویا تبدیل می‌شود (نبلی و همکاران، ۱۳۹۳).

تربیت اجتماعی و به‌طور خاص، تربیت سیاسی با ایجاد دلبستگی و وابستگی نسل نو به ارزش‌ها، افکار و نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی مدنظر امکان تداوم، حفظ و استمرار حاکمیت سیاسی را فراهم می‌آورد؛ بنابراین می‌توان گفت تعلیم و تربیت با فرایند تربیت سیاسی، علاوه‌بر انتقال گرایش‌ها، الگوهای فکری و رفتارهای خاص که در چارچوب سنت‌های رایج سیاسی است، در انتقال اقتدار سیاسی و عضوگیری برای نظام سیاسی و حکومت نقش

افزایش انگیزه و آگاهی فرهنگیان، برای خدمت مطلوب و مشارکت مؤثر در مسیر اجرای اهداف اجتماعی و سیاسی سند تحول و ارتقای شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش‌های اجتماعی در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی باید در دستور کار قرار گیرد.

از منظر احمدی و همکاران (۱۳۹۷) گذرگاه سیاست‌پذیری شامل شش مرحله است که از مبتدی‌ترین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی تا تخصصی‌ترین مراحل را شامل می‌شود. این گذرگاه از آگاهی سیاسی شروع و پس از برخوردار شدن از دانش و اطلاعات سیاسی به مرحله برخوردار شدن از سواد سیاسی وارد می‌شود. با نهادینه شدن مرحله سواد تربیت سیاسی رقم می‌خورد و فرد تربیت شده در دوره آموزشی عام به‌عنوان متربی سیاسی وارد دوره آموزش تخصصی و در نهایت، به بالاترین مرحله تعلیم و تربیت سیاسی با عنوان سیاستمدار و مربی سیاسی شناخته می‌شود.

یافته‌های پژوهش آقامحمدی و اسدی (۱۳۹۵) با عنوان «شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان» که از متون معتبر و اسناد ارزشمندی همچون قرآن کریم و نهج البلاغه استخراج شده، عبارت است از: داشتن تربیت اخلاقی و ایمانی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌تربیتی، داشتن بصیرت و آینده‌نگری، ظلم‌ستیزی و نفی استکبار، آراستگی باطنی و ظاهری، اعتدال و میانه‌روی و قانون‌مندی و پرهیز از خودمحوری و قانون‌گریزی.

سبحانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) مؤلفه‌های برنامه درسی تربیت سیاسی در خورتوجهی را در سند تحول بنیادین، ابراز عشق به سرزمین، فداکردن جان و مال فردی برای وطن و پرهیز از اخلاق سیاسی را کاری دنیامدارانه، سعه‌صدر در برابر مخالفت‌ها، صلح‌ورزی، ظلم‌ستیزی، حرکت در راستای عدالت در روابط دولت و ملت و پایداری در نظم اجتماعی، بیان کردند.

کرد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل و

سیاسی و کسب آگاهی‌های سیاسی دانش‌آموزان دارد (یوسف‌زاده و شاه‌مرادی، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

### پیشینه پژوهش

براساس پژوهش لی و نگوین<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) تعلیم و تربیت، علایق سیاسی را پرورش می‌دهد، کسب دانش سیاسی را ارتقا می‌بخشد و نگرش‌های حمایتی را به آزادی‌های سیاسی تقویت می‌کند.

کیس<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) با استفاده از داده‌های نظرسنجی از ۹ کشور فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، لهستان، اسپانیا، سوئد، سوئیس و انگلستان به این نتیجه رسید افرادی که در مدرسه یا دانشگاه، دموکراسی را تجربه کرده‌اند، تمایل بیشتری به رأی‌دادن و حتی شرکت در بحث‌های سیاسی دارند. همچنین، تجربه شیوه‌های دموکراسی در مدرسه و دانشگاه، باعث افزایش اعتماد به نهادهای سیاسی می‌شود که به‌نوبه خود احتمال رأی‌دادن را افزایش می‌دهد.

ریچرت و تورنی پورتا<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه تطبیقی عقاید معلمان درباره اهداف تربیت شهروندی در ۱۲ کشور به این نتیجه رسیدند که براساس باور آموزگاران پیش از تشویق مشارکت سیاسی، دانش‌آموزان را در آینده باید به مشارکت در مدارس یا جوامع محلی سوق داد.

زاوالا و هنینگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اگر آموزگاران در دوره‌های تربیت سیاسی شرکت کنند، درک بهتری از وقایع تاریخی و چگونگی اثرگذاری این رویدادها را بر زندگی دانش‌آموزان خود به دست می‌آورند و در عین حال، شرکت در این دوره‌ها باعث رشد و پرورش تفکر انتقادی آنها می‌شود.

نتایج پژوهش جعفری‌فر و ترابی (۱۴۰۰) با عنوان «آینده‌پژوهی تربیت سیاسی-اجتماعی دانش‌آموزان براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» بیانگر این مهم بود که

<sup>1</sup> Le & Nguyen

<sup>2</sup> Kiess

<sup>3</sup> Reichert & Torney-Purta

<sup>4</sup> Zavala & Henning



اجتماعی و سیاسی و همچنین شناسایی شایستگی‌های معلمان اثربخش را طراحی کردند. در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان بیان کرد که تاکنون پژوهشی در زمینه شناسایی شایستگی‌های پایه‌آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مشاهده نشده که در پژوهش حاضر، این موضوع بررسی شده است. به عبارت دیگر، در پژوهش حاضر کوشش شده است تا به سؤال‌های ذیل پاسخ داده شود: آموزگاران باید واجد چه شایستگی‌های پایه‌ای باشند تا بتوانند زمینه تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی سند تحول را در وجود دانش‌آموزان فراهم کنند؟

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی با رویکرد پدیدارشناختی است. تمرکز اصلی تحلیل پدیدارشناختی، بررسی تجربه آگاهانه و هدف آن توصیف تجربه‌های زندگی اجتماعی است. به همان صورتی که واقع شده است (دارابی، ۱۳۸۸) و هدف آن، بازنمایی ادراک افراد مطالعه شده از پدیده مدنظر است. پدیده مطالعه شده در پدیدارشناختی، براساس دیدگاه معرفت‌شناختی تفسیری و برپایه ذهنیت افراد بررسی می‌شود که آنان در تجربه زندگی خود از پدیده دارند (بازرگان، ۱۳۹۹). شرکت‌کنندگان این پژوهش مدرسان مراکز تربیت معلم، اعضای هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، علوم سیاسی و علوم تربیتی دانشگاه‌های اصفهان و یزد بودند که براساس نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان شامل ۵ نفر از مدرسان مراکز تربیت معلم، ۵ نفر از اعضای هیئت علمی متخصص در حوزه جامعه‌شناسی، ۹ نفر از اعضای هیئت علمی متخصص در حوزه علوم سیاسی، ۶ نفر از اعضای هیئت علمی متخصص در حوزه مردم‌شناسی و ۵ نفر از اعضای هیئت علمی گروه علوم تربیتی بودند. کفایت تعداد مشارکت‌کنندگان براساس اشباع نظری داده<sup>۱</sup> تأیید شد؛ یعنی تا هنگامی که اطلاعات جدیدی از سوی

واکای مبانی فطری تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی» به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های اصلی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی عبارت است از: تفکر و تعقل، راستگویی و صداقت، مسئولیت‌پذیری، همکاری، سازگاری توافق یا سعه‌صدر، عدالت اجتماعی، امانداری و حفظ اموال عمومی، تقویت روحیه انتقادپذیری، حفظ محیط‌زیست طبیعی و اجتماعی، صبر در کارها، تقویت اعتمادبه‌نفس، نظم‌پذیری در کارها، آشنایی با عفاف و حیا، انعطاف‌پذیری، امر به معروف و نهی از منکر، بهداشت فردی و جمعی و وحدت.

عابدی و نیلی (۱۳۹۲) تربیت اجتماعی آموزش و پرورش ایران و مقایسه آن با دیدگاه‌های علامه طباطبایی را تحلیل و بررسی کردند. با توجه به نتایج این پژوهش از میان دوازده هدف تربیت اجتماعی نظام آموزشی ایران، هفت هدف تاحدودی مانند دیدگاه علامه است. این اهداف عبارت است از: روابط خانوادگی سالم، نظم، توکلی و تبری، ایثار، تعاون ملی و همبستگی فراملی، احترام و مراعات حقوق و مسئولیت‌پذیری. دو هدف عدل اسلامی و احترام به قانون از منظر علامه ابعاد گسترده‌تری دارد. هدف سعه‌صدر درکنار هدف مقاومت در برابر تبلیغات سوء، با دیدگاه علامه مطابقت دارد و سرانجام دو هدف امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد روحیه برابری در تربیت اجتماعی ایران به‌عنوان هدف و در آرای علامه به‌عنوان روش مطرح می‌شود.

براساس نتایج پژوهش امینی و همکاران (۱۳۸۸) در زمینه تربیت سیاسی در مقطع متوسطه میان دیدگاه‌ها و ادراک‌های دبیران و نوع تجربه‌ها و دریافت‌های واقعی و عملی دانش‌آموزان تفاوت و شکاف عمیقی وجود دارد که برنامه درسی تربیت سیاسی را در مقطع متوسطه در عمل، فاقد اثربخشی و کارآمدی می‌کند.

براساس بررسی‌های صورت گرفته در تحقیقات انجام شده و پیشینه پژوهش کاستی‌های جدی و آشکاری در این زمینه وجود دارد. بیشتر پژوهش‌های گذشته برمبانی تربیت اجتماعی و سیاسی تأکید داشتند و نقش و جایگاه آنها را در نظام تعلیم و تربیت بررسی و یا الگوی برنامه درسی تربیت

<sup>1</sup> Theoretical Saturation

مصاحبه‌شوندگان) و بررسی همکار<sup>۴</sup> (سه نفر از استادان و ۳ نفر از دانشجویان دکتری خبره در کدگذاری اسناد و مصاحبه) استفاده شد. در نهایت، ضریب توافق ۰/۷۸ به دست آمد که بیانگر توافق مطلوب در بین کدگذاران است.

### یافته‌های پژوهش

پس از انجام دادن مصاحبه‌ها، درگام نخست کدگذاری عناوین برخاسته از متن مصاحبه استخراج و مفهوم‌سازی شد. این عناوین بالاترین سطح انتزاع را داشتند و به‌عنوان مضامین اصلی شناسایی شدند. مضامین کلیدی در قالب ۸ زیرمقوله و در نهایت، ۳ مقوله اصلی ایجاد شد. نتایج به‌دست‌آمده از فرآیند اجرای کدگذاری در جدول ۱ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که شایستگی‌های پایه آموزگاران در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، شامل ۲ مقوله سواد اجتماعی و سواد سیاسی در بُعد دانش سیاسی و اجتماعی، ۳ مقوله ارزش‌ها و تمایل‌های فردی، ارزش‌ها و تمایل‌های جمعی و ارزش‌های وطنی و فراوطنی در بُعد نگرش اجتماعی و سیاسی و ۳ مقوله عاملیت فردی، عاملیت جمعی و عاملیت سیاسی در بُعد رفتار اجتماعی و سیاسی شناسایی شدند. در ادامه، یافته‌ها براساس پرسش پژوهش ارائه شده است.

### شایستگی‌های پایه آموزگاران در تربیت اجتماعی و سیاسی

#### کدامند؟

شایستگی‌های پایه آموزگاران در تربیت اجتماعی و سیاسی شامل سه مقوله اصلی دانش اجتماعی و سیاسی، نگرش اجتماعی و سیاسی و رفتار اجتماعی و سیاسی بود که توضیح‌های آن به شرح ذیل است. توضیح‌های مربوط به هر مقوله به تفکیک ارائه شده و بعضی اظهارنظرهای مصاحبه‌شوندگان مرتبط با مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها نیز گزارش شده است.

شرکت‌کنندگان مطرح نشد، ادامه یافت و سعی بر آن شد که بدون راهنمایی شرکت‌کنندگان، مصاحبه در راستای اهداف تحقیق هدایت شود.

محقق در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده کرده است. داده‌ها از نوع کیفی و مبتنی بر مصاحبه بود تا بتوان به فهم عمیق و غنی از دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان دست یافت. در این راستا مصاحبه به صورت چهره‌به‌چهره و انفرادی بین پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان در مدت زمان ۴۰ الی ۸۰ دقیقه آغاز شد. برای بررسی روایی بیشتر در مصاحبه، تلاش بر این بود که قبل از آغاز مصاحبه، وحدت گفتمانی بین محقق و مصاحبه‌شونده‌ها ایجاد شود. به این صورت که توضیحات کلی درباره مسئله بررسی شده، هدف‌های تحقیق و سؤال‌ها ارائه و تبیین مفهوم شایستگی به درستی انجام شود. برای رعایت اخلاق، پیش از مصاحبه، مشارکت‌کنندگان از هدف‌ها و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت در پژوهش شرکت کردند. برای ضبط صدا از آنها اجازه گرفته و به آنها اطمینان داده شد که از داده‌ها فقط برای اهداف پژوهش استفاده شود و همواره محرمانه باقی بماند. پس از انجام دادن مصاحبه و اجرای کامل متن مصاحبه‌ها، برای تحلیل یافته‌ها، از راهبرد کلایزی<sup>۱</sup> استفاده شد. داده‌ها براساس راهبرد کلایزی در هفت مرحله شامل، خواندن دقیق کلیه توصیف‌ها، استخراج عبارت‌های مهم و جمله‌های مرتبط با پدیده‌ها، مفهوم‌بخشی به جمله‌های مهم استخراج‌شده، مرتب‌سازی مفاهیم به‌دست‌آمده، کدگذاری و استخراج زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی، توصیف واقعی و مختصر پدیده مطالعه‌شده (مقوله‌ها)، مراجعه به شرکت‌کنندگان برای روشن کردن ایده‌های به‌دست‌آمده و موثق کردن یافته‌ها تحلیل شد (Colaizzi, 1978). در نهایت، برای اطمینان از معتبر بودن یافته‌های حاصل از تحلیل کیفی، براساس معیارهای ارائه‌شده از سوی کرسول و میلر<sup>۲</sup> (2000) از روش بازبینی اعضا<sup>۳</sup> (پنج نفر از

<sup>1</sup> Colaizzi Method

<sup>2</sup> Creswell & Miller

<sup>3</sup> Member Checking

<sup>4</sup> Peer Debriefing



### مقوله اصلی ۱: دانش اجتماعی و سیاسی

براساس نظرهای مصاحبه‌شوندگان، مقوله دانش اجتماعی و سیاسی دو زیرمقوله سواد اجتماعی و سواد سیاسی را دارد. سواد اجتماعی عبارت است از رشد و پرورش ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری، عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. این آگاهی شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه بودن اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت‌نهادن به تفاوت‌هاست (لطف‌آبادی، ۱۳۸۶: ۳۶). آموزگار به‌عنوان اصلی‌ترین عنصر تربیت اجتماعی، حصول دانش‌آموزان به تعهد اجتماعی، ایجاد روحیه مدنی و جامعه‌پذیر کردن آنهاست (فاتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲). پس سواد اجتماعی جزء ضروری و ویژگی‌های علمی آموزگار است. مشارکت‌کننده شماره (۲) در این زمینه معتقد بود:

«معلم می‌تونه بستری رو فراهم‌کنه که دانش‌آموز در آینده عملکرد اجتماعی مطلوبی داشته‌باشه. پس باید برای این مهم زمینه‌سازی‌کنه؛ مثلاً آسیب‌های اجتماعی جامعه خودش رو بشناسه، بتونه تحلیل‌کنه، راهکار براشون ارائه‌دهه و در قالب‌های گوناگون مثل داستان و نمایش این آسیب‌ها و راه‌گریز ازشون را در اختیار دانش‌آموز قرار بده».

سواد سیاسی عبارت است از توانایی خواندن، فهم، درک و شناخت ادبیات، وقایع و امور سیاسی بر مبنای دستیابی به آگاهی، اطلاعات و دانش سیاسی. به این معنا که یک فرد با سواد سیاسی قادر خواهد بود، در عرصه‌های اجتماعی و عمومی با بهره‌مندی از دانش سیاسی خود، مباحث و ادبیات سیاسی را بفهمد و تحلیل و گزارش‌های سیاسی را براساس درک و فهم سیاسی خود بررسی و مقایسه کند. این مرحله از فهم، درک و شناخت باید به‌عنوان مبانی دانشی و نظری تربیت سیاسی و مرحله ورود به حوزه عمل سیاسی در گذرگاه تعلیم و تربیت سیاسی لحاظ شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱).

دیدگاه مشارکت‌کننده شماره (۹) در این باره این بود که:

«تقویم کشورمون که ورق می‌زنیم، مناسبت‌های ملی و میهنی و دینی بسیاری داریم. آگاهی از مناسبت‌ها بیش از

هر کسی برای آموزگار لازمه، در هر روزی متناسب با تقویم اون روز، کلاس رو آماده‌کنه یا با دانش‌آموزا صحبت‌کنه که با این شیوه می‌تونه خیلی خوب باعث آشنایی دانش‌آموزا با اون مناسبت‌ها بشه. همچنین، اگر معلم آگاهی جمعی در مورد این مناسبت‌ها و رخدادها داشته‌باشه، می‌تونه پاسخگوی سؤالات دانش‌آموزا نیز باشه».

مشارکت‌کننده شماره (۴) نیز اذعان داشت:

«معلم باید با آرمان‌های انقلاب اسلامی آشنایی کامل داشته‌باشه. هدف معلم تربیت شهروند مطلوبه. این دانش‌آموز در کشور ایران زندگی می‌کنه. پس باید آرمان‌های انقلاب را بشناسه تا بتونه حافظ آرمان‌ها باشه. با این وجود حساسیت نقش معلم ظاهر می‌شه. معلم باید به‌درستی این آرمان‌ها را به اون‌ها منتقل‌کنه».

همچنین، مشارکت‌کننده شماره (۱۱) معتقد بود:

«معلم باید به تمام علوم تا حد نیاز آگاه‌باشه و تعلیم و تربیت تمام ساحتی را معیار عمل خودش قرار بده ... دانش‌آموزای امروزی خیلی با دانش‌آموزای گذشته فرق دارن و از هر چیزی سؤال می‌کنند. پس لازمه معلم علم سیاسی کافی در کنار سایر علوم داشته‌باشه؛ مثلاً قوای سه‌گانه رو به خوبی بشناسه ... وزیر آموزش و پرورش، نقش و وظایف او رو بدونه و در حیطه کاری خودش مطالبه‌گر باشه و در مواقع لازم بتونه تحلیل سیاسی مطلوبی داشته‌باشه ...».

### مقوله اصلی ۲: نگرش اجتماعی و سیاسی

نگرش، پیش‌شرطی برای عملکرد و نوعی آمادگی است که بر فرد اثر می‌گذارد و موجب می‌شود تا فرد رفتار معین و معلومی انجام دهد (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۵). تربیت اجتماعی و سیاسی در پی آن است که گرایش‌ها و قابلیت‌های عاطفی مناسب با جامعه مدنی را در افراد زمینه‌سازی کند. مصاحبه‌شونده شماره (۳) در صحبت‌های خود به این مهم اشاره کرده است که

«یکی از امور بدیهی پیرامون معلم، نقش الگویی معلمه ... خیلی وقتا دانش‌آموزا حرف معلم را راحت‌تر از حرف خانواده می‌پذیرن. پس ویژگی‌های رفتاری او، خیلی مهمه. منش و رفتار او باید نمونه‌ای از ارزش‌ها و باید‌های جامعه باشه؛ مثلاً از ابتدای سال که یه سری قوانین را برای کلاس

«تلاش معلم باید بر این باشد که دانش‌آموز را به ترقی و کمال برسونه و او را برای زندگی در اجتماع آماده‌کنه. باتوجه به اینکه محیط اجتماعی هرنسلی با نسل قبل فرق دارد، وظیفه سنگین معلم روشن‌می‌شه. او نباید تنها به انتقال مطالب درسی قناعت‌کنه. در فرایند اجتماعی شدن دانش‌آموز، نه‌تنها دانش و مهارت معلم لازمه، تمام صفات، خلیقات، حالات روحی و رفتار ظاهری او به شاگردان منتقل میشه ... مخصوصاً اونچه دانش‌آموزا درعمل معلم می‌بینن. مثل تصمیم‌گیری‌های معلم یا اینکه اهل مطالعه‌باشه، نرمی با دیگران، در عین حال قاطع بودن ...».

مصاحبه‌شونده شماره (۱) بیان کرد:

«همونطور که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: کسی که خود را رهبر مردم قرار می‌دهد، باید بیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازه و پیش از آنکه به گفتار، تربیت‌کنه، با کردار تعلیم‌بده؛ زیرا اونکه خودش را تعلیم‌بده و ادب‌کنه، سزاوارتر به تعظیم هست. نسبت به کسی که دیگری را تعلیم‌میده و ادب می‌آموزه. معلم باید خود در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته‌باشه. در انتخابات و راهپیمایی‌ها شرکت‌کنه و در مدرسه هم با برنامه‌ریزی مناسب، زمینه مشارکت دانش‌آموزان در شورای دانش‌آموزی و ... را فراهم‌کنه و از این طریق آنها را برای شرکت در حزب‌ها و نهادهای مدنی و انتخابات آماده کنن».

مصاحبه‌شونده شماره (۱۲) معتقد بود:

«عملکرد هرفردی ریشه در دانش و آگاهی وی داره. هرچه آگاهی بالاتر، عملکرد مطلوب‌تر. اگر معلم دانش و آگاهی سیاسی خوبی داشته باشه، می‌تونه با مشارکت سازنده نقش مهمی در فعالیت‌های سیاسی داشته‌باشه. یه معلم می‌تونه با آگاهی و رفتار مناسب، دانش‌آموزانی رو تربیت‌کنه که روحیه عدالت‌طلبی دارن و زمینه‌ساز تحقق حکومت مهدوی بشن ... اگر معلم بخواد شهروندی فعال و خلاق، آگاه، مسئول و عمل‌گرا تربیت‌کنه، دردردجه اول خودش باید عامل به این ویژگی‌ها باشه، منعطف باشه، در کلاس به عدالت برخورد کنه ...».

تعریف می‌کنه، خودش به این قوانین توجه‌کنه و در این ارتباط نقش قوانین در جامعه و رعایت آن را شرح‌بده ... یا اینکه نسبت به مردم شهرش، کشورش، همکاراش خیلی مهربان و به فکر باشه. اگر غمی دارن، درک‌کنه و درصدد حل اون باشه و بتونه دیگران را هدایت کنه».

مصاحبه‌شونده شماره (۱۰) در این زمینه بیان داشت:

«معلم باید با دانش‌آموزا رفتار توأم با مهر و محبت و مسئولانه‌ای داشته‌باشه؛ چراکه این رفتار باعث‌میشه، بچه‌ها با علاقه و میل در مدرسه حاضر بشن و او را الگو قرار بدن ... معلم با وجدان کاری که داره، می‌تونه به افزایش دانش و اطلاعات خود در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی پردازد و با استفاده از فعالیت‌های فوق‌برنامه و حتی درخلال برنامه‌های درسی رسمی، به درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در دانش‌آموزا اقدام کنه».

دیدگاه مصاحبه‌کننده شماره (۸) بر این اساس کنه:

«معلمی که هدفش اینه درکنار آموزش مطالب درسی، به تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزانش بهابده، باید دردردجه اول خودش به اجتماع خدمت‌کنه و درصورت لزوم، به‌تهایی به تفکر پردازد و یا درهنگام ضرورت با نظرات جمعی مخالفت کنه ... او باید درمواقعی که جمع درمسیر ناحقی میره و یا بر اندیشه‌ای اصرار می‌ورزن که صحیح و اصولی نیست، توان مخالفت با آن اندیشه را داشته‌باشه ... خواه ناخواه دانش‌آموزا این ویژگی معلم را درک می‌کنن. اگر معلم می‌خواد موجبات رفتار مطلوب اجتماعی و سیاسی دانش‌آموز را فراهم‌کنه، باید یه سری ویژگی‌های شاخص داشته‌باشه؛ مثلاً بخواد جامعه خودش را بشناسه و درصدد تحول و تغییر مثبت در جامعه باشه، خیر عمومی را درنظر داشته‌باشه ...».

### مقوله اصلی ۳: رفتار اجتماعی و سیاسی

رفتار اجتماعی و سیاسی به‌معنای چگونگی ایفای نقش اجتماعی و سیاسی فرد و تجهیز وی به مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه است. مصاحبه‌شونده شماره (۶) بر این نظر بود که:

جدول ۱- شایستگی‌های پایه‌آموزگاران در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی  
**Table 1- Basic competency of teachers in the field of social and political education**

مقوله اصلی	زیرمقوله	کدها
	سواد اجتماعی	آگاهی به سنن و آداب و رسوم ملی، آگاهی از نقش فرهنگ در توسعه، آگاهی از رخدادهای مذهبی و ملی، آگاهی از عقاید و دیدگاه‌های اجتماعی عمده کشور، آگاهی از هویت ملی، آگاهی از خدمات اجتماعی، آگاهی از ارزش‌های بنیادین جامعه، آگاهی از آسیب‌های اجتماعی، درک تفاوت‌های فرهنگی، آگاهی از نقش رسانه‌ها، آگاهی از شکل‌گیری باورها و رفتارهای جمعی، آگاهی از نقش خود به‌عنوان کارگزار فرهنگی، آگاهی از هنجارها و بایده‌نبایدهای ارتباط با دیگران، توجه به مسئولیت فردی و اجتماعی خویش، توجه به سرنوشت کشور، آگاهی از باورها و ارزش‌های خود، شناخت اهداف خویش، درک اجتماعی، تفکر انتقادی.
دانش اجتماعی و سیاسی	سواد سیاسی	آگاهی از رویدادها و وقایع سیاسی داخلی و خارجی، آگاهی از حقوق بشر، آگاهی از حقوق متقابل مردم و حاکمان، آگاهی از آثار بی‌عدالتی در جامعه، آگاهی از آزادی‌های فردی و عمومی، شناخت حق از باطل، آگاهی از تصمیم‌های سیاسی مهم کشور، آگاهی از اهمیت استقلال و آزادی، آشنایی با قانون اساسی، آگاهی از قوانین و مقررات جامعه، آشنایی با قلمرو سیاسی کشور در دوره‌های گوناگون تاریخ، آگاهی از سازمان‌های اجتماعی، آگاهی از سازمان‌های بین‌المللی، دانش سیاسی درباره‌ی قوای سه‌گانه و وظایف و مسئولیت‌هایشان، شناخت شخصیت‌های سیاسی، آگاهی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، آگاهی از ترفندهای دشمنان، آگاهی از دستاوردهای دفاع مقدس، آشنایی با شهدای انقلاب اسلامی، شناخت افراد مبارز و انقلابی، آگاهی از مکاتب عقیدتی جامعه، شناخت امام زمان به‌عنوان ناجی عدل جهانی، آگاهی از بیداری اسلامی و اثر آن در انقلاب سایر کشورها، آگاهی از نشانه‌های ملی.
	ارزش‌ها و تمایل‌های فردی	درک نیازهای دیگران، درک درد و رنج دیگران، وجدان کاری، دارا بودن روحیه‌ی تعاون و همکاری، حق‌طلبی، اخلاص، عزتمندی، نشاط سیاسی، علاقه‌مند به سنت‌ها و ارزش‌ها، بردبار، صلح‌جو، همدل، تمایل به رقابت سازنده، متواضع و فروتن، مثبت‌اندیش، انتقادپذیر، خوش‌بین، اعتدال و تدبیر، وظیفه‌شناس، قانون‌گرا، امید به آینده‌ی روشن، باگذشت و مهربان، توجه به فقرا، اعتماد به دیگران، امید اجتماعی، شفاف‌بودن کلام و عمل.
نگرش اجتماعی و سیاسی	ارزش‌ها و تمایل‌های جمعی	توجه به نفع عمومی، خیرخواه دیگران، دوستی با دوستان خدا، دشمنی با دشمنان خدا، سعه‌صدر به نظرهای مخالف، شوروشوق ایجاد تحول و تغییر در جامعه، تمایل به نقادی و مخالفت با سنت‌های اجتماعی نامعقول، پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، احترام به نظم عمومی، علاقه‌مندی به فعالیت‌های داوطلبانه، تمایل به مشارکت در مسائل، روحیه‌ی اصلاح ذات‌بین.
	ارزش‌های وطنی و فراوطنی	علاقه‌مندی به محیط‌زیست، گرایش به حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، توجه به فرهنگ ایثار و شهادت، علاقه‌مندی به حفظ میراث تمدنی و فرهنگی، احترام به ولایت فقیه، احترام به مظاهر ملی، علاقه‌مند به آگاهی از گذشته‌ی مملکت خویش، احساس تعلق خاطر به کشور، احترام به قوای سه‌گانه، علاقه‌مند به پیگیری مسائل سیاسی و اجتماعی سایر کشورها، روحیه‌ی قدرشناسی به هویت ملی و مذهبی.
	عاملیت فردی	دوری از نفاق، عمل قانونمند، تصمیم‌گیری منطقی و معقولانه، جرئت در بیان نظر و اندیشه‌ی خود، انفاق، گشاده‌رویی، رفتار و سخن نرم، صادق و راستگو، فداکار و ایثارگر، وفای به‌عهده، عادل، پرهیز از خودمحوری و انحصارطلبی، ساده‌زیستی، حق‌طلب، استقلال‌طلب، انعطاف‌پذیر، منصف، شجاع، پرسشگر، مقتدر، اهل مطالعه، حفظ عزت‌نفس دیگران.
	عاملیت جمعی	توانایی مشارکت با دیگران، تلاش برای حل مشکل مردم، حمایت از مستضعفان، نظرخواهی از دیگران، خیرخواه دیگران، تشکر و قدردانی از دیگران، تذکر اشتباه‌های دیگران در نهایت احترام، قدرت حل مسئله در محیط مبتنی بر همکاری، همنشینی با افرادی که به یاد خدا هستند، عضو نهادهای صنفی، مذهبی و سیاسی، ایجاد زمینه‌ای برای تشکیل سازمان‌هایی مانند اتحادیه و صنف‌های مجاز، وفاداری به نظام حاکم، شرکت در انتخابات، کوشش برای تحکیم اخوت در میان مسلمانان، التزام به ولایت فقیه، پاسداری از استقلال و آزادی جامعه اسلامی، شرکت در نماز جمعه به‌عنوان یک آیین سیاسی، شرکت در راهپیمایی‌ها، الگوی ارزش‌های جامعه، توجه به امر به معروف و نهی از منکر.
	رفتار اجتماعی و سیاسی	تحلیل منطقی درباره‌ی وقایع و اظهارنظرهای سیاسی و شعارها، تربیت نیروی پشتیبان برای نظام سیاسی، ایجاد هم‌بستگی سیاسی، ترس‌نداشتن از شکست و خروج از عرصه‌ی سیاست، انطباق با وضعیت‌ها و موقعیت متغیر، بهره‌گیری قانونی از آزادی سیاسی، منشأ اصلاحات مفید در جامعه، مطالبه‌گر حقوق خود و جامعه، پاسداری از ارزش‌ها، حفظ اموال عمومی، ایستادگی در حفظ استقلال، ادای احترام به نمادهای ملی، پیگیری اخبار و مسائل سیاسی روز کشور و جهان، تربیت نیروی پشتیبان برای نظام سیاسی، نیروسازی حکومت مهدوی، مبارزه با گسترش باورهای تفرقه‌انگیز، تلاش برای نفی مظاهر سلطه و استبداد، زمینه‌ساز حیات طیبه، تلاش عملی در مبارزه با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، حفظ روحیه‌های انقلابی.

## نتیجه

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نظام تعلیم و تربیت در بسیاری از نظام‌های آموزشی، تربیت اجتماعی و سیاسی است. در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، پرورش فضائل، دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت سیاسی و آماده‌کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه ضروری است. اموری مانند تربیت شهروندان، گزینش رهبر سیاسی، ایجاد همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی، از جمله اهداف تربیت اجتماعی و سیاسی است. این ساحت، هرگونه استبداد و دیکتاتوری را نفی می‌کند و درک و فهم را منحصر به خود نمی‌داند، بلکه برای تمام انسان‌ها احترام قائل است و قلمرو حق و حقیقت را منحصر در فهم خود نمی‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷). بنا به اظهار هودسون (۲۰۰۱)، به نقل از فتحی، (۱۳۸۱)، در یک چشم‌انداز ملی، فلسفه اصلی تربیت اجتماعی و سیاسی را می‌توان دستیابی به مقاصد هم‌چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسه‌های سیاسی، ایجاد نگرش مثبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم‌شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر برابری، علاقه به مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباط‌های سیاسی بیان کرد. نظام آموزش و پرورش در بُعد جامعه‌پذیری و تربیت سیاسی، کارکردهایی همچون سیاسی کردن نسل نو، وابسته‌کردن آنها به نظام سیاسی، ارائه آگاهی سیاسی، کمک به مشارکت سیاسی آنها و مانند اینها را دارد. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش سعی می‌کند تا با استفاده از فرآیند تربیت سیاسی، علاوه بر انتقال گرایش‌ها و الگوهای فکری و رفتارهای خاص که در چارچوب سنت‌های رایج سیاسی هستند، نقش انتقال سیاسی و عضوگیری برای نظام سیاسی و حکومت را نیز ایفا کند (علاقه‌بند، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

برای تحقق هدف و رسالت‌های ساحت تربیت اجتماعی و

سیاسی آموزگاران جایگاه ویژه‌ای دارند. به دلیل نقش برجسته‌ای که آموزگاران در پرورش و یادگیری دانش‌آموزان برعهده دارند و نیز به دلیل اینکه اعمال و رفتارشان در ایجاد انگیزه و کنش‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر است، نیازمند برخورداری از شایستگی‌های پایه اجتماعی و سیاسی هستند. به همین جهت، در این مطالعه شایستگی‌های مورد انتظار معلمان دوره ابتدایی در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی شناسایی شده است. تعریف‌های زیادی از مفهوم شایستگی ارائه شده است. نقطه مشترک تمام تعریف‌ها تأکید بر شناخت، نگرش و مهارت فرد است. رجکی و ساکرمن<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) شایستگی را به معنی دانش، مهارت و توانایی تعریف کرده‌اند که بخشی از وجود فرد شده است و او را قادر می‌کند تا بتواند به بهترین صورت بیندیشد، احساس کند و مهارتی را انجام دهد. راهایو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) شایستگی را فعالیت‌ها، رفتارها و نتایج می‌دانند که فرد در انجام دادن کاری از خود آشکار می‌کند و به توانایی فرد در قالب دانش، نگرش و مهارت‌ها در انجام دادن نظام‌مند کار به صورت یکپارچه تأکید دارند. از این رو، در پژوهش حاضر، شایستگی‌های پایه معلمان دوره ابتدایی در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی به تفکیک دانش، نگرش و مهارت استخراج شده است. باتوجه به نتایج پژوهش، شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت اجتماعی و سیاسی شامل دانش اجتماعی و سیاسی، نگرش اجتماعی و سیاسی و رفتار اجتماعی و سیاسی است. براساس نظر و تجربه‌های مصاحبه‌شوندگان، کودکان در سال‌هایی که بیشترین ظرفیت یادگیری و انعطاف‌پذیری روحی را دارند، در مدرسه به سر می‌برند و زیر نفوذ رفتار و عملکرد معلم خود هستند؛ بنابراین نمی‌توان به ویژگی‌ها و شایستگی‌های معلم بی‌تفاوت بود. معلم است که می‌تواند بخش زیادی از شخصیت شاگردان را جهت و جهان‌بینی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. معلمان از نظر اجتماعی، در تمام کشورها، به دلیل نوع شغل، موقعیت و جایگاه خوبی دارند و

<sup>1</sup> Redjeki & Sukirman

<sup>2</sup> Rahayu et al.



است. درحوزه عاطفی، تربیت اجتماعی و سیاسی در پی آن است که گرایش‌ها و قابلیت‌های عاطفی مناسب با جامعه را در افراد ایجاد کند. در این زمینه، درکنار ارزش‌های اصلی همچون عدالت و آزادی، ارزش‌های دیگری مانند احترام به دیگران، احترام به قانون و حکومت، نوع‌دوستی، ذهن باز و تمایل به نقد و ارزیابی و انصاف از مهم‌ترین نکته‌ها در این بُعد از تربیت محسوب می‌شود.

انتقال ارزش‌های فرهنگی و اصول اخلاقی جامعه به دانش‌آموزان، باعث پایدارماندن و حفظ آن خواهد شد. معلم می‌تواند ارزش‌های اجتماعی و سیاسی مورد احترام و مقبول جامعه را به نسلی دیگر معرفی کند و آنها را با دورنمای آینده، منتقد و مبتکر بار آورد که بتوانند تحول‌های تازه را در جامعه به وجود آورند. با تقویت بینش سیاسی، تقویت مشارکت به‌گونه‌ای خواهد بود که فعالیت و مشارکت سیاسی را در جامعه با احساس مسئولیت بررسی کنند و برای ایجاد تغییر و تحول نیز شور و شوق داشته باشند. اگر معلمی، بصیر، آگاه و عالم به زمان و مکان نباشد، نمی‌تواند دانش‌آموزانی دوران‌دیش و آگاه تربیت کند. جامعه آگاه نتیجه کار معلمان بصیر است (آقامحمد و اسدی، ۱۳۹۵: ۹۳).

درحوزه رفتاری، تربیت اجتماعی و سیاسی مستلزم فراهم‌آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه مدنی است. توانایی گفت‌وگوی مؤثر با دیگران، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی، اطاعت از قانون، داشتن تفکر منطقی و انتقادی درحل مسائل، استفاده مؤثر و نقادانه از رسانه عمومی نمونه‌های عمده این جنبه از تربیت مدنی است (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷). تحقق این مهم، گستره وسیعی از تلاش‌های آموزگاران را می‌طلبد. از توجه به ایجاد یا حتی حذف پاره‌ای از ویژگی‌های شخصی و شخصیتی گرفته تا ایجاد دسته‌ای از توانمندی‌های اجتماعی که تمام این تلاش‌ها باید نظام‌مند باشد و براساس روش‌های درست انجام شود (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱: ۲). الکساندر و بیچ و

بیشتر تمام افسار جامعه برای معلمان ارزش و احترام خاصی قائل هستند. معلمان از لحاظ فردی مورد احترام عموم و به‌خصوص شاگردان خود هستند و نقش آنها به‌عنوان انتقال فرهنگ، تبیین‌کننده ارزش‌ها و تثبیت‌کننده عقاید، امری پذیرفتنی و چشم‌ناپوشیدنی است (منصوری، ۱۳۸۷).

براساس نتایج پژوهش، شایستگی‌های مورد انتظار در تربیت اجتماعی و سیاسی شامل ۳ مقوله دانش اجتماعی و سیاسی، نگرش اجتماعی و سیاسی و رفتار اجتماعی و سیاسی است.

برخی از شاخص‌های دانش سیاسی را می‌توان به آگاهی از حقوق سیاسی خود، آگاهی از رویدادهای کشوری و بین‌المللی اثرگذار بر امور داخلی، آگاهی و ارزیابی از نقش‌ها (ریاست‌جمهوری، نماینده مجلس و غیره) نهادها و فرایندهای سیاسی، ملی‌گرایی، اعتماد اجتماعی و اطلاعات از روند مبارزه‌های سیاسی و ... اشاره کرد که زیرمجموعه‌های زیادی را دربر می‌گیرند. باتوجه به جوان‌بودن جمعیت در کشور ما و ازسوی دیگر، تهاجم فرهنگی، ایجاد می‌کند نسل جوان، اطلاعات و آگاهی‌های لازم را براساس مبانی دینی و اخلاقی و متناسب با نیازهای جامعه کسب کند تا بتواند علاوه بر حضور و مشارکت مؤثر در جامعه دربرابر ترندهای بیگانگان بایستد و از نظام مقدس اسلامی دفاع کند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۲۲). معلم می‌تواند به رشد بینش و دیدگاه‌هایی برسد که ارزش‌ها و عواطف اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود. در صورت کسب آگاهی لازم قادر به مشارکت و فعالیت دقیق در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی خواهد بود. دانش آموخته‌شده درباره سیاست ازسوی معلم به باورها و ارزش‌های سیاسی درونی تبدیل و در عرصه عمل اجرا می‌شود (Zakharova, 2018).

معلم، کارگزار اصلی تعلیم و تربیت و روح نظام آموزشی هرکشوری است و با کوشش خردمندانه اوست که هدف‌های متعالی نظام آموزشی کشور تحقق می‌یابد. آنچه دانش‌آموزان در مدرسه کسب می‌کنند، متأثر از خصوصیات و شایستگی‌های علمی، فرهنگی، دینی، تربیتی، اجتماعی معلمان

به صورت ملایم است، به تدریج شدت یافته و بر رشد اجتماعی آنان اثر می‌گذارد. دانش‌آموزان زمانی که اطاعت بی‌چون و چرا از معلم و مشارکت نکردن خود را در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و غیرآموزشی ببینند، یا با برخورد غیراستدلالی روبه‌رو شوند، یاد می‌گیرند که در اجتماع نیز چنین رفتاری را پیشه کنند و به آرا و افکار دیگران احترام نگذارند. راسل و هاولی<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی به ارتباط بین رفتار معلم به دانش‌آموزان با شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی در آنها توجه کردند و نتیجه گرفتند که شیوه، نوع برخورد و تعامل معلم با دانش‌آموزان بر شکل‌گیری و رشد نگرش‌های سیاسی آنها اثر می‌گذارد. پژوهشگران مذکور تأکید می‌کنند، هنگامی که معلم با دانش‌آموزان با عدالت و منصفانه برخورد می‌کند و به دیدگاه و مسائل آنها علاقه‌مندی نشان می‌دهد، دانش‌آموزان نیز به لحاظ سیاسی کمتر دچار بی‌تفاوتی و بدبینی می‌شوند.

تربیت اجتماعی و سیاسی یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیا از جمله کشور ماست؛ زیرا تربیت اجتماعی و سیاسی، دانش‌آموزان را برای برقراری نظم در جامعه، افزایش میزان مشارکت سیاسی و مدنی، رعایت حقوق سایر شهروندان و ارتقای فضیلت جامعه آماده می‌کند. با وجود این، معلم نقشی بی‌بدیل و جایگاه حساسی در نظام آموزشی و همچنین شایستگی‌های وی بر ایفای این نقش اثر بسیار مهمی دارد؛ بنابراین آگاهی و شناخت از این شایستگی‌ها ضروری است. با توجه به اهمیت این ساحت، بیش از پیش باید به شایستگی‌های معلم توجه شود. پس از شناسایی شایستگی‌های آموزگاران در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی پیشنهاد می‌شود که به این شایستگی‌ها همانند راهنمای عمل و چراغ راه برای طراحی و برنامه‌ریزی برنامه‌های تربیت معلم و همچنین آموزش‌های ضمن خدمت معلمان با دوره‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی توجه شود و این صلاحیت‌ها در دانشجویان، معلمان و آموزگاران ارتقا یابد. همچنین، بر مبنای شناخت این

الکساندرونا (۲۰۲۱)<sup>۱</sup> معتقدند که شایستگی آموزگار در حیطه رفتار اجتماعی و سیاسی شامل مؤلفه مشارکت (تجلی مشارکت و فعالیت اجتماعی) و اجرای مدیریت (پیش‌بینی اجتماعی) و خودسازی در حوزه اجتماعی است.

یکی از وظایف هر نظام آموزشی، تربیت شهروند ایده‌آل متناسب با شرایط جهانی است که بتواند با تعهد و مسئولیت‌پذیری و تعهد در برابر ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی و اجتماعی جامعه خود، زمینه‌ساز پیشرفت و توسعه جامعه شود. معلمان به عنوان کارگزاران نظام آموزشی، به علت ارتباط با دانش‌آموزان و اولیای آنها می‌توانند با کنش‌های سیاسی و اجتماعی خود در کلاس مثل توجه به اموال عمومی، ادای احترام به میراث فرهنگی و تاریخی کشور، زمینه‌ساز جهت‌گیری سیاسی دانش‌آموزان به فرهنگ سیاسی جامعه باشند. معلم، نسل‌ها را به یکدیگر ارتباط و فرهنگ جامعه را حفظ و در صورت نیاز تغییر می‌دهد و تکامل می‌بخشد. معلمان به عنوان رکنی اثرگذار در نظام آموزشی نه تنها لازم است با تحول‌های جامعه هماهنگ باشند، تحول‌ها را برای ایجاد وضعیتی مطلوب برای آینده‌ای بهتر هدایت کنند و برای عملکرد بهینه با مشعل روشن، هدایت‌گر چرخه تحول باشند. در این راستا، ضرورت دارد معلمان شایستگی‌های لازم را برای اثربخشی بیشتر در جریان آموزش در خود ایجاد کنند. معلم به رفتار دانش‌آموزان شکل می‌دهد و افراد لازم جامعه را تربیت می‌کند. به همین دلیل، امروزه در کشورهای پیشرفته، با وجود پیشرفت‌های چشمگیر فناوری، به خصوص فناوری آموزشی، هنوز جایگاه استاد و معلم محفوظ است؛ چون هیچ ماشینی نتوانسته است، جای او را بگیرد (کاو، ۱۳۹۱). از همین رو و به دلیل جایگاه و نقش مهم معلم، وی باید با دانش‌آموزان رفتار مسئولانه و محبت‌آمیزی داشته باشد تا آنها، با علاقه و اشتیاق در مدرسه حاضر شوند و او را الگو قرار دهند. دانش‌آموزان به خصوص در دوره دبستان، بیشتر به رقابت با یکدیگر اهمیت می‌دهند. رقابت آنها که در ابتدا

<sup>2</sup> Rossell & Hawley

<sup>1</sup> Alexandrovich & Alexandrovna



رضایی، م. (۱۳۹۸). «شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان: گذشته، حال، آینده»، *تعلیم و تربیت*، ۳۵ (۲)، ۱۲۹-۱۵۰.

رضوی، س.؛ ملکی، ح.؛ عباس‌پور، ع. و ابراهیمی‌قوام، ص. (۱۳۸۹). «بررسی تربیت سیاسی در برنامه‌دستی رسمی دوره ابتدایی»، *روانشناسی تربیتی*، ۱۶ (۶)، ۱۹-۵۸.

رمضانی، ف. و حیدری، م. (۱۳۹۱). «روش‌های تربیت اجتماعی کودک براساس قرآن و نهج‌البلاغه»، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۲ (۶)، ۱-۱۹.

سبحانی‌نژاد، م.؛ نجفی، ح. و نورآبادی، س. (۱۳۹۶). «مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران»، *مطالعات ملی*، ۲ (۱۸)، ۲۵-۴۴.

سلطانی، ا. و معین‌آبادی، ح. (۱۳۹۶). «رابطه مهارت‌های زندگی اجتماعی با مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان مطالعه‌موردی: دانشگاه شهید باهنر کرمان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۸ (۴)، ۹۵-۱۱۲.

شاه‌علی، ا.ر.؛ اسدی، م. و کدخدازاده، م. ا. (۱۴۰۰). «شناسایی عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی دانشجویان: مطالعه‌موردی: دانشگاه‌های فنی و مهندسی شهر تهران»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۱ (۲)، ۲۵۹-۲۹۴.

شریعتمداری، ع. (۱۳۹۹). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

صالح‌آبادی، ا. (۱۳۹۹). «تحصیلات، فرهنگ سیاسی و مشارکت انتخاباتی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱ (۱)، ۹۰-۶۵.

صدرالدین‌شیرازی، م. (۱۳۸۷). *شواهد الربوبیه*، ترجمه علی بابایی، جلد اول، تهران: انتشارات مولی.

صفایی‌مقدم، م.؛ کاظمی، م.؛ پاک‌سرشت، م. و مرعشی، س. (۱۳۸۷). «بررسی اصول اساسی تربیت مدنی: با رویکرد اسلامی». *علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۴ (۳)، ۳-۳۰.

طباطبایی، م. (۱۳۹۷). «بررسی مؤلفه‌های تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۴ (۲۶)، ۱۱۹-۱۱۷.

شایستگی‌ها می‌توان به طراحی و سپس ارزیابی برنامه‌دستی تربیت معلم اقدام کرد؛ زیرا هدف اساسی برنامه‌دستی تربیت معلم آموزش پایه معلمان و پرورش شایستگی‌های حرفه‌ای در آنهاست.

## منابع فارسی

آقا محمد، ج. و اسدی، س. (۱۳۹۵). «شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۲ (۲)، ۷۵-۱۰۱.

احمدی، غ.؛ عصاره، ع. و امینی‌زرین، ع. (۱۳۹۷). «تبیین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی»، *دانش سیاسی*، ۱ (۱۴)، ۲۳-۶۰.

الیاس، ج. (۱۳۸۵). *فلسفه تعلیم و تربیت*، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

امینی، م.؛ صدیق‌ارفعی، ف. و قدمی، م. (۱۳۸۸). «بررسی اثربخشی برنامه‌دستی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان: مطالعه‌موردی شهر کاشان»، *دانشور رفتار*، ۱۶ (۳۶)، ۴۱-۵۴.

بازرگان، ع. (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جعفری‌فر، س. و ترابی، م. (۱۴۰۰). «آینده‌پژوهی تربیت سیاسی-اجتماعی دانش‌آموزان براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، *سپهر سیاست*، ۸ (۲۸)، ۹۵-۱۱۶.

دارابی، ع. (۱۳۸۸). «رویکرد پدیدارشناسی در تجزیه و تحلیل پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۲ (۵)، ۸۲-۶۱.

رنجبر، م.؛ غیرتی‌آرانی، ل. و جمشیدی‌راد، م. (۱۳۹۵). «سبک نگرش دینی روستاییان نسبت به مدیریت رفتار با آب در دو منطقه استان فارس و اصفهان»، *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۴ (۴)، ۱۷-۳۲.

۱۳۶

عالی انقلاب فرهنگی.

مرزوقی، ر. (۱۳۸۴). «تربیت مدنی از دیدگاه اسلاک: رویکردی به پرورش سیاسی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی*، ۱ (۱)، ۹۳-۱۰۸.

معین آبادی، ح. و سلطانی، ا. (۱۳۹۴). «بررسی نقش دانشگاه در بهبود مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه شهید باهنر کرمان»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۱۱ (۱)، ۶۷-۹۴.

ملکی، ح. (۱۳۹۳). *برنامه‌ریزی درسی*، تهران، انتشارات پیام اندیشه.

ملکی، ح. (۱۳۹۱). *صلاحیت‌های حرفه معلمی*، تهران: انتشارات مدرسه.

موسوی خمینی، ر. (۱۳۹۹). *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

منصوری، ج. (۱۳۸۷). *آموزش و تربیت سیاسی*، تهران: منادی تربیت.

نیستانی، م. (۱۳۹۱). *کلاسی از جنس واقعه: درس‌هایی که از استاد غلامحسین شکوهی آموخته‌ام*، اصفهان: آموخته.

نیلی، م.؛ موسوی، س. و موسوی‌ندوشن، ف. (۱۳۹۳). «بررسی میزان سواد سیاسی و اجتماعی شهروندان بزگسال شهر اصفهان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲ (۵۴)، ۴۹-۶۰.

یزدانی، ف.؛ عباسی، ع.؛ حسنی، م. و علی‌عسگری، م. (۱۳۹۷). «طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی تربیت اجتماعی در دوره متوسطه اول با تأکید بر اسناد بالادستی»، *پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۲ (۶)، ۹۵-۱۱۷.

یوسف‌زاده، م. ر. و شاه‌مرادی، م. (۱۳۹۹). «ارائه مدل برنامه درسی تربیت سیاسی براساس ساحت تربیت اجتماعی-سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵ (۱)، ۱۷۳-۲۰۶.

طهماسب‌زاده شیخ‌لار، د. و جلیل‌زاده، م. (۱۴۰۰). «تبیین مؤلفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های دینی (قرآن) و غیردینی (سکولاریسم) و مطابقت آن با اسناد بالادستی برنامه درسی»، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵۰ (۲۹)، ۲۳۱-۲۷۷.

عابدی، م. و نیلی، م. (۱۳۹۲). «بررسی تحلیلی اهداف تربیت اجتماعی آموزش و پرورش ایران و مقایسه آن با دیدگاه‌های علامه طباطبایی»، *تربیت اسلامی*، ۱۶ (۸)، ۷۹-۱۰۰.

علاقه‌بند، ع. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات روان.

فتحی‌زاده، م.؛ نصرافهانی، ا. و فتحی، ف. (۱۳۸۲). «بررسی کیفی عملکرد دبیرستان در ایجاد و پرورش مهارت‌های اجتماعی»، *روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان*، ۹ (۲)، ۱۶۵-۱۸۵.

فتحی‌واجارگاه، ک. (۱۳۹۸). *اصول برنامه‌ریزی درسی*، تهران: انتشارات ایران.

فتحی‌واجارگاه، ک. (۱۳۸۱). «برنامه‌های درسی تربیت شهروندی»، *پژوهش دانشگاه اصفهان*، ۲ (۱۴)، ۱۸۱-۲۰۶.

کاردان، ع. (۱۳۹۲). *سیر آرا تربیتی در غرب*، تهران: انتشارات سمت.

کاوه، م. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

کرد، ح.؛ جلیلی، م. و کرد، م. (۱۳۹۵). «تحلیل واکاوی مبانی فطری تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی»، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۹ (۱)، ۶۷-۷۸.

لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۶). «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۷ (۵)، ۱۱-۴۴.

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: شورای

- Jafarifar, S., and Torabi, M. (2021). The futurology of the political-social training of students based on the fundamental transformation document of education (FTDE). *Sepehr\_Siasat*, 28(8), 95-116 [In Persian].
- Jnnings, P., and Greenberg, M. (2009). The prosocial classroom: teacher social and emotional competence in relation to student and classroom outcomes, *Review of Educational Research*, 79 (1), 491–525.
- Kardan, A. (2013). *Evolution of educational thoughts in the west*. Samt Press [In Persian].
- Kaveh, M. (2012). *Pathology of social diseases*. Jameshenasan Press [In Persian].
- Kiess, J. (2021). Learning by doing: the impact of experiencing democracy in education on political trust and participation, *Politics*, 42(1), 75-94.
- Kord, H., Jalili, M., and Kurd, M. (2018). Analysis and analysis of the underlying foundations of social education during the elementary period. *Journal of Sociology of Education*, 9(1), 67-78 [In Persian].
- Le, K., and Nguyen, M. (2021). Education and political engagement, *International Journal of Educational Development*, 85, 102441.
- Lotf Abadi, H. (2006). Teaching national and global citizenship along with stabilizing the students' identity and value system. *Journal of Educational Innovations*, 5(17), 11-44 [In Persian].
- Marzoghi, R. (2005). Civic education from the perspective of Islam: an approach to political education. *Biquarterly Journal of Islamic Education*, 1(1), 93-108 [In Persian].
- Moeen Abadi, H., and Soltani, A. (2016). An examination of university impact on improvement of student's political education components: The case of Shahid Bahonar University of Kerman. *Journal of Political Science Association*, 11(1), 67-94 [In Persian].
- Maleki, H. (2012). *Qualifications of the teaching profession*, Madrese Press [In Persian].
- Maleki, H. (2014). *The complete refreshment practice guide*, Payam Andishe Press [In Persian].
- Mosavi Khomeini, R. (2020). *Sahifeh-ye noor. collection of Imam Khomeini's guidelines*. Ministry of culture and Islamic Guidance Directorate [In Persian].
- Mansori, J. (2008). *Political education*. Tehran, MonadiTarbiat Press [In Persian].
- Neyestani, M. (2012). *A class of event kind*. Isfahan, Amokhte Press [In Persian].
- Nili, M.R., Mousavi, S., and Mousavi Nodoushan, F. (2014). An examination of the political and social literacy of adult Citizens in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 25(2), 49-60 [In Persian].
- Rahayu, S., Ulfatin, N., Wiyono, B.B., Imron, A., and Wajdi, M.B.N. (2018). The professional competency teachers mediate the influence of teacher innovation and emotional intelligence on

## References

- Abedi, M., and Nili, M. (2013). An analytical investigation into the aims of social training in Iranian education and its comparison with Allameh Tabatabaie'S Views. *Biquarterly Journal of Islamic Education*, 8(16), 79-100 [In Persian].
- Ahmadi, G., Asareh, A., and Amini Zarrin, A. (2018). Explaining the steps of the political education (politicization pathway) based on cognitive development stages with emphasis on educational courses. *Political Knowledge*, 14(1), 23-60 [In Persian].
- Alagheband, A. (2016). *Sociology of education*. Ravan Press [In Persian].
- Alexandrovich, M., and Alexandrovna, U. (2021). On the concept of social and political competence of students of pedagogical specialties, *Natural Volatiles & Essential Oils*, 8(4), 2936- 2947.
- Amini, M., SedighArfaei, F., and Ghadami, M. (2009). The effectiveness of political education curriculum from the point of view of teachers and students inkashan's secondary schools. *Daneshvar Raftar*, 16(36), 41-54 [In Persian].
- Bazargan, A. (2020) *Introduction to qualitative and mixed research methods*. University of Tehran [In Persian].
- Chiang, T.H., and Trezise, D. (2021). How teacher competence functions as an institutionalised discourse in the epoch of globalization, *Cambridge Journal of Education*, 51(1), 105-125.
- Colaizzi, P. (1978). *Psychological research as a phenomenologist views it*, Oxford University Press: New York.
- Creswell, J.W., and Miller, D.L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry, *Theory Into Practice*, 39 (3), 124-130.
- Darabi, A. (2009). A phenomenological approach in the analysis of political phenomena. *Journal of Political Studies*, 2(5), 61-82 [In Persian].
- Elyas, J. (2006). *Philosophy of education*. Second edition, AbdolrezaZarabi, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute [In Persian].
- Fatehizadeh, M., Nasr Esfahani, A., and Fathi, F. (2005). A qualitative study on the high schools" performance in developing social skills. *Journal of Psychology*, 9(34), 165-185 [In Persian].
- Fathi Vajargad, K. (2003). Citizenship Education Curricula: A Hidden Priority for the Iranian Education System. *Research Bulletin of Isfahan University*, 14(2), 181-206 [In Persian].
- Fathi Vajargah, K. (2019). *Curriculum planning*, Iran Zamin press [In Persian].
- Gbadegesin, V.O., and Onanuga, P.A. (2019). The enactment of ideology and self-presentation in political campaign videos of the 2015 general election in Nigeria, *Discourse, Context & Media*, 28, 121–130.

- Salehabadi, A. (2020). Education, political culture and electoral participation. *Journal of Applied Sociology*, 31(77), 65-90 [In Persian].
- Sadraddin Shirazi, M. (2008). *Alshawahidalrububiyah, Ali Babae*, Mola Press [In Persian].
- Safaei Moghaddam, M., Kazemi, M., Pakseresht, M.J., and Marashi, M. (2008). An investigation into the basic principles of civil education (an islamic approach). *Journal of Educational Science*, 3(15), 3-30 [In Persian].
- Tabatabaei, M. (2018). An investigation of the components of political education in social studies textbooks at elementary level. *Journal of Islamic Education*, 26(40), 119-136 [In Persian].
- Tahmasbzadeh Sheikhlari, D., and Jalilzadeh, M. (2021). Identifying the components of spiritual training in religious (the holy quran) and non-religious teachings: compatibility with the upstream documents of curriculum designing, *Research in Islamic Education Issues*, 29(50), 231-277 [In Persian].
- Yazdani, F., Abbasi, E., Hassani, M., and Aliasgari, M. (2018). Designing and validating the curriculum of social education lesson of the first level of high school, based on the high level documents. *Research in School and Virtual Learning*, 6(20), 95-117 [In Persian].
- Yousef Zadeh, M., and Shahmoradi, M. (2020). Developing a political education curriculum model based on the social-political education dimension of fundamental transformation document of education for iranian junior high school students. *Quarterly Applied Issue Education*, 5(1), 173-206 [In Persian].
- Zavala, M., and Henning, N. (2017). The role of political education in the formation of teachers as community organizers: lessons from a grassroots activist organization, *Urban Education*, 56 (7), 1137-1163.
- Zakharova, I.M. (2018). Experience of approbation of scientific-research module in magistracy profile : Teacher of elementary general education [Elektronnyi resurs]. *Psychological-Educational Studies*, 10 (1), 104-115.
- school security, *Journal of Social Studies Education Research*, 9(2), 210-227.
- Ramezani, F., and Heidari, M. (2012). Methods for child social education based on Quran and nahjulbalaghah. *Research in Curriculum Planning*, 2(6), 1-19 [In Persian].
- Ranjbar, M., Gheyrati Arani, L., and Jamshidi Rad, M. (2016). Villagers' religious attitude style towards behavior management about water in two areas of fars and Isfahan provinces (Izadkhast & Ramshe). *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 4(4), 17-32 [In Persian].
- Razavi, S., Malek, H., Abbaspour, A., and Ebrehimi Qavam, S. (2010). An investigation of current status of political education in elementary curriculum: a qualitative study. *Quarterly Educational Psychology*, 6(16), 19-58 [In Persian].
- Redjeki, H., and Sukirman, S. (2021). Education and training technology increases teacher competence, *Journal of Physics: Conference Series*, 1823 (1), 1-7.
- Reichert, F., and Torney-Purta, J. (2019). A cross-national comparison of teachers' beliefs about the aims of civic education in 12 countries: a person-centered analysis, *Teaching and Teacher Education*, 77, 112-125.
- Rezaei, M. (2019). Teachers' professional competencies: Past, present, and future. *Quarterly Journal of Education*, 35(2), 129-150 [In Persian].
- Rossel, C.H., and Hawley, W.D. (2019). The relationship between teacher behavior toward students and student political attitudes: the development of political cynicism. Available at: <http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal>, (3/6/2021).
- Sobhani Nejad, M., Najafi, H., and Noorabadi, S. (2017). Study on the concept of excellence and assessment of its position in iran's education fundamental reform document for use in the curriculum, *National Studies*, 18(2), 25-44 [In Persian].
- Soltani, A., and Mmoeinabadi, H. (2018). The relation between students' social life skills and their political education components case: Shahid Bahonar University of Kerman, *Journal of Applied Sociology the University of Isfahan*, 28(4), 95-112 [In Persian].
- Shah Ali, A.R., Asadi, M., and Kadkhodazadeh, M.A. (2021). Identifying factors affecting students' political training (training): Case study of technical and engineering universities in Tehran, *Iranian Journal of Culture in The Islamic University*, 11(2), 259-294 [In Persian].
- Shariatmadari, A. (2020). *Principles and philosophy of education*. Amirkabir Press [In Persian].